

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۳-۱۰۲

اندرزنامه، رسالهٔ تعلیمی تازه یافته از بسمل شیرازی

دکتر احمدرضا یلمه‌ها*

چکیده:

اندرزنامه عنوان عمومی کتابها و رساله‌هایی است که به حکمتها، دستوره‌های اخلاقی، پند و اندرزهای تربیتی و دینی پرداخته و بخش وسیعی از ادبیات تعلیمی را تشکیل می‌دهند. بنیاد این قبیل آثار بر اخلاق نهاده شده و موضوع عمده آنها اخلاقیات، شیوهٔ زندگی و راه و رسم آمیزش با مردم است. ساختار اندرزنامه‌ها نیز متنوع و بیشتر در سه قالب مثنوی، منظوم و پندهای مثنوی آمیخته به نظم است. با وجود شناسایی بسیاری از پندنامه‌های دوران پیش از اسلام و نیز دوران اسلامی، هنوز فهرست کاملی از اینگونه آثار تدوین نشده و اندرزنامه‌های ناشناخته و مجهول‌القدر بسیاری وجود دارد. یکی از این اندرزنامه‌های ارزنده، اندرزنامهٔ علی اکبر نواب شیرازی، ادیب و شاعر ایرانی سدهٔ سیزدهم قمری، معروف به بسمل است. از این اثر، سه دست نوشته (و عکس) در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران باقی مانده است که تاکنون تصحیح و چاپ نگردیده

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان ayalameha@dehaghan.ac.ir

است. این پژوهش با نگاهی کوتاه به اندرزنامه‌نویسی در ادب فارسی، به معرفی نسخه‌های خطی باقی مانده از این اثر، به همراه تحلیلی کوتاه از آن پرداخته است.

واژه‌های کلیدی:

ادبیات تعلیمی، اخلاقیات، بسمل شیرازی، اندرزنامه، نسخه‌های خطی.

مقدمه:

بخش عظیمی از ادبیات تعلیمی را نصیحت‌نامه‌ها، پندنامه‌ها، کتب مواعظ و حکم تشکیل می‌دهد. نوشتن اینگونه متون اندرزی، از روزگاران قدیم رواج داشته و در میان ملت‌های مختلف جهان سابقه‌ای بس طولانی دارد. «بخش گسترده‌ای از ادبیات و متون بازمانده فارسی میانه (پهلوی) به همین دستورها و پندهای اخلاقی و حکمی اختصاص یافته است. درباره اصل و منشأ اندرزهایی که در این اندرزنامه‌ها آمده، نمی‌توان نظر قطعی ابراز داشت، اما از فحوای پاره‌ای از متون بر می‌آید که گروهی از این اصول اخلاقی، بر اوستا - کتاب دینی زردشت - استوارند؛ بویژه آن دسته از متون اندرزی که خود به خاستگاه اوستایی خویش اشاره دارند و سبک نگارش جمله‌های آن با متون اوستایی نزدیک است. گروهی از اندرزها به گونه مستقل تدوین یافته‌اند و گروهی نیز در داخل متون دیگر از قبیل دینی، تاریخی، حماسی و فلسفی مثل دینکرد، گزیده‌های زادسپرم، روایت پهلوی، ارداویرافنامه و مینوی خرد آمده‌اند» (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۶۳/۲).

در فرهنگ ایرانی، حفظ نکته‌ها و اندرزها، مواعظ و حکم، دستورهای تربیتی و ابلاغ آنها به آیندگان، نوعی وظیفه اخلاقی بوده است و بر همین اساس است که ایرانیان را می‌توان از رواج‌دهندگان اصلی ادبیات اخلاقی و تعلیمی به شمار آورد. بخش عمده‌ای از این پندها و اندرزها، پیش از آنکه از زبان گفتاری به زبان نوشتاری و ادبی در آید،

به صورت جملات کوتاه در حاشیهٔ جامه‌ها، کنارۀ فرشها و سفره‌ها و حتی درون ظروف به صورت منقوش نگاشته می‌شده است. نوشته‌اند که تاج انوشیروان نیز مزین به اندرزهایی بوده که در پندنامهٔ او مندرج بوده است (محمدی، ۱۳۵۲: ۲۱). این سیر تا سالها به صورت ادبیات شفاهی ادامه یافته و به صورتهای گوناگون همراه با دگرگونیهای زمانی و فرهنگی، از نسلی به نسل دیگر ادامه می‌یابد. « بیان اندرزها به تدریج از صورت جمله‌های مستقیم خبری و روایی، به صورت روایت تمثیلی در می‌آید و قصه‌گونه می‌شود و به اطناب می‌گراید » (سعادت، ۱۳۸۴: ۵۵۷/۱).

با پیشرفت اسلام در ایران، مضامین حکایات اندرزی ایران و ساسانی با مضامین آیات و احادیث اسلامی در هم می‌آمیزد. حتی برخی از اندرزنامه‌های ایرانی و پهلوی به زبان عربی ترجمه می‌شوند که اثر این اندرزنامه‌ها در ادبیات اسلامی به خوبی آشکار است. « بخشهایی از این اندرزنامه‌ها در کتابهای معروف عربی بویژه در کتاب جاویدان خرد مسکویه، غرر ثعالبی و کتاب التاج فی اخلاق الملوک که منسوب است به جاحظ، ولی در اصل اثر محمد بن حارث ثعالبی است، نقل شده است. مقدار زیادی از این آثار نیز به طور پراکنده در عیون‌الاکبار ابن قتیبه، مروج الذهب مسعودی و آثار ابن مقفع آمده است »، (مشرف، ۱۳۸۹: ۱۷).

در دوره‌های بعد بویژه از قرن ششم، با روی کار آمدن کسانی چون سنایی و عطار، اندرزهای صوفیانه نیز وارد شعر فارسی می‌شود. « وزیر اندرزگوی صاحب جاه و شکوه، جای خود را به درویش و صوفی بریده از عالم و زوج انوشیروان و بزرگمهر و اسکندر و ارسطو، جای خود را به زوج عینی تر سنایی غزنوی و بهرامشاه غزنوی و سعدی و انکیانو، امیر مغول در فارس می‌دهند و شعر اندرزی فارسی از سنایی تا سعدی راه کمال می‌پیماید » (پیشین)

مضامین و موضوعات اصلی اندرزنامه‌های فارسی، ترغیب به تزکیه و تهذیب نفس،

تقویت ایمان، تشویق به شرافت نفس و مناعت و کمال‌جویی انسان، خدمت به دیگران، دعوت به سخاوت، دوستی و برادری، عدل و داد، حق‌شناسی، بردباری و قناعت، تواضع و فروتنی، احسان و نیکوکاری، دوراندیشی و احتیاط، شجاعت، وفاداری، تقوا و پارسایی، ترغیب به کسب دانش و خرد و تأکید بر ناپایداری قدرت و دنیا به همراه نكوهش آن است. در کنار آن پرهیز از جاه‌طلبی، حسد، هوس، ریا و دورویی، غرور و خودبینی، نادانی، آزمندی و تنگ‌چشمی، بدگمانی و دروغ‌گویی از بن‌مایه‌های اصلی نصیحت‌نامه‌ها و متون اندرزی زبان فارسی است.

اندرزنامه‌ها دارای ساختارهای گوناگونی است. برخی از این متون، به شکل سخنان کوتاه و حکیمانه است. جملات این پندنامه‌ها، غالباً کوتاه و قصارگونه، پر معنی و حاصل نوعی خرد جمعی و تجربه تاریخی است. بخش دیگری از این متون اندرزی، به صورت پرسش و پاسخ (با عنوان «المسائل»)، برخی چیستان‌وار و معماگونه و بعضی از آنها هم حاوی پند پدر به فرزند است.

از جهت قالب نیز نصیحت‌نامه‌های فارسی به سه گونه پندنامه‌های مثنوی (همچون قابوس‌نامه و نصیحة الملوك امام محمد غزالی)، پندنامه‌های منظوم (از جمله پندنامه منظوم افسر قاجار فرزند فتحعلی‌شاه و پندنامه بدایعی بلخی و پندنامه منسوب به عطار) و پندنامه‌های مثنوی آمیخته به نظم (همچون نصیحة الملوك سعدی، پندنامه حمیدالله شاه آبادی) تقسیم می‌شوند.

اندرزنامه بسمل شیرازی:

یکی از پندنامه‌های ارزنده ادب فارسی، اندرزنامه بسمل شیرازی است. حاج علی اکبر نواب شیرازی، متخلص به بسمل و ملقب به صدر و نواب (۱۱۸۷ تا ۱۲۶۳ قمری) شاعر، نویسنده و تذکره‌نویس ایرانی، از رجال نامدار سده سیزدهم هجری است که به

لحاظ مقام ممتاز ادبی، مورد توجه کامل معاصرانش بود. او در شیراز سکونت داشت و در همین شهر، فلسفه، منطق، ریاضیات، علوم دینی و ادبی را آموخت (رک. معصوم‌علیشاه، ۱۳۴۵: ۳/۳۴۶). بسمل در کتابت خط شکسته نیز مهارت یافت و پس از چندی به خدمت حسینعلی میرزا، حاکم شیراز درآمد و تا آنجا به او تقرب جست که توانست داماد وی شود. «نواب در محافل شعر و ادب آن روزگار، یکی از مشخص‌ترین چهره‌های نامدار بوده و به طوری که از تذکرهٔ دلگشا - تألیف خود او - برمی‌آید، با بسیاری از شعرا و بزرگان اهل علم از نزدیک، آشنایی و با آنها معاشرت و مکاتبه داشت و این معنی از اشعاری که معاصرانش در مدح وی سروده‌اند، لایح و آشکار است... رضا قلی‌خان هدایت در مجمع الفصحاء و ریاض‌العارفین، با ستایش تمام از وی سخن گفته است و شاعرانی چون قآنی و نیری و مشفق و... به ثنای وی زبان گشوده‌اند و این امتیازی است که با این وسعت در طول ادب فارسی، به ندرت شاعری را نصیب شده است»، (بسمل شیرازی، مقدمهٔ تذکرهٔ دلگشا از رستگار فسایی، ۱۳۷۱: ۱۸).

از بسمل آثار متعددی به نظم و نثر در موضوعات گوناگون باقی مانده است. از جمله آثار او بحرالآلی، شرح سی فصل خواجه نصیر طوسی، ذخیرهٔ النجات فی میراث الاموات، تحفة السفر لنور البصر، نورالهدایه فی اثبات الرساله، حاشیه بر مدارک در فقه، حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی، شرح اللمعه الدمشقیه، رسائل گوناگون دربارهٔ اثبات وجود و پاسخ به پرسشهای مختلف باقی مانده است. وی علاوه بر این آثار، دارای دیوانی است مشتمل بر قصاید، غزلیات و قطعات و نیز تذکره‌ای با عنوان دلگشا. این تذکره به ذکر احوال و نمونهٔ اشعار حدود ۱۶۰ شاعر هم‌عصر بسمل، به همراه زندگی‌نامهٔ برخی از پادشاهان و شاهزادگان قاجار که در شعر دستی داشته‌اند، می‌پردازد. از مجموع آثار این شاعر، تنها بحرالآلی و تذکرهٔ دلگشا به چاپ رسیده و بقیه به صورت نسخه‌های خطی باقی مانده است. تذکرهٔ دلگشا، نخستین بار در سال

۱۳۷۱ توسط منصور رستگار فسایی به چاپ رسید و بحرالآلی نیز به صورت سنگی (تنها دو جلد از آن) به زیور چاپ آراسته شده است. یکی از آثار چاپ نشدهٔ بسمل شیرازی اندرنامهٔ اوست که از آن سه دست نوشته باقی مانده است:

۱- نسخهٔ خطی محفوظ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران با شمارهٔ ۳۵۲۷؛ مجموعه‌ای شامل ده رساله که بخش نهم (از صفحه ۲۲۸ تا ۲۵۰) آن را اندرنامهٔ بسمل تشکیل می‌دهد و به خط نستعلیق (بدون تاریخ) کتابت گردیده است.

۲- نسخهٔ خطی موجود در کتابخانهٔ مرکزی همان دانشگاه، با شمارهٔ ۲۹۹۹؛ مجموعه‌ای که مشتمل است بر تذکرهٔ دلگشا، شرح سی فصل، ذخیرهٔ النجات فی میراث الاموات، نورالهدایه فی اثبات الرساله، اندرنامه و تحفة السفر لنور البصر. این مجموعه، مکتوب به تاریخ ۱۲۴۸ قمری است و به خط نسخ توسط کاتبی با نام علی میرزا پسر علی جان فتح آبادی نوشته شده و صفحات ۵۰۸ تا ۵۲۳ آن را اندرنامه تشکیل می‌دهد.

۳- مجموعهٔ دیگری در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران با شمارهٔ ۳۱۸۹ موجود است که اندرنامه بخش سیزدهم آن است (رک. درایتی، ۱۳۸۹: ۱۸۹/۲). این نسخهٔ عکسی به خط نسخ و بدون تاریخ کتابت است و اصل آن در کتابخانهٔ ادینبورگ آلمان به شمارهٔ ۶۲ و ۶۰ و ۱۸.۳ نگهداری می‌شود.

نویسندهٔ این سطور با در دست داشتن عکسی از نسخه‌های مزبور از اندرنامه، بر آن است تا به معرفی اجمالی این اثر پردازد. پیش از معرفی این اثر، نکتهٔ قابل ذکر آن است که در بسیاری از آثار که دربارهٔ بسمل، مطلب یا مطالبی نوشته‌اند، یا از اندرنامهٔ بسمل یاد کرده و یا به اشتباه این اثر را، اثری منظوم از بسمل دانسته‌اند؛ مثلاً در مقدمه‌ای که رستگار فسایی بر تذکرهٔ دلگشا نوشته، در معرفی آثار علی اکبر نواب (متخلص به بسمل)، علاوه بر دیوان، تذکرهٔ دلگشا، بحر الالکی، به معرفی مجموعه‌ای از آثار بسمل (در صفحه ۳۶ مقدمه) می‌پردازد، بدین صورت:

« مجموعه‌ای خطی از آثار حاج علی‌اکبر نواب، در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود است که ظاهراً نسخهٔ متعلق به خود مؤلف بوده است و خط مؤلف در سرلوحهٔ کتاب وجود دارد که مورخ جمادی‌الثانی ۱۲۴۸ هجری قمری می‌باشد و مؤلف، فهرست رساله‌های مجموعه را به دست داده است. این مجموعه دارای ۲۸۰ برگ و مشتمل بر کتب زیر است:

۱- از صفحه ۱ تا ۳۶۱ تذکرهٔ دلگشا

۲- شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی از ص ۳۶۳ تا ۴۳۶

۳- ذخیرهٔ النجات فی میراث الاموات از ص ۴۳۷ تا ۴۸۷ به فارسی

۴- تحفة السفر لنور البصر از ص ۵۲۴ تا ۵۵۹ « ذکر با تلخیص، رستگار فسایی، ۱۳۷۱: ۳۶) و سپس به معرفی تذکرهٔ دلگشا و ابواب مختلف آن می‌پردازد. گفتنی است در فهرست کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران در جلد دهم صفحات ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۹ (که چنانکه مصحح در حاشیه صفحهٔ ۳۶ تذکرهٔ دلگشا اشاره کرده، مورد استفاده او نیز بوده است)، بخشهای مختلف این مجموعه، بدین صورت معرفی گردیده است:

۱- تذکرهٔ دلگشا ۳۶۱ - ۱

۲- شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی ۴۳۶ - ۳۶۳

۳- ذخیرهٔ النجات فی میراث الاموات ۴۸۷ - ۴۳۷

۴- نورالهدایه فی اثبات الرساله ۵۰۷ - ۴۸۸

۵- اندرزنامه ۵۲۳ - ۵۰۸

۶- تحفة السفر لنور البصر ۵۵۹ - ۵۲۴

و معلوم نیست که مصحح تذکرهٔ دلگشا (منصور رستگار فسایی) به چه دلیل، از ذکر دو بخش نورالهدایه و اندرزنامه در مجموعهٔ خطی مذکور، صرف نظر کرده و نامی از آن نیاورده است. خود مؤلف (حاج علی‌اکبر نواب شیرازی) در خاتمهٔ تذکرهٔ دلگشا،

اینچنین به معرفی آثار خویش، می‌پردازد:

« گاهی با موزونانم، صحبتی دست داد و به مزخرفی ناموزون در صحبت ایشان لیبی می‌گشاد تا آنکه رفته رفته دیوانی مرتب داشتم و گاهی با مشاطگی خامه بر عارض نامه حرفی نگاشتم... در بدایت حال شرحی بر سی فصل خواجه نصیر طوسی علیه الرحمه نوشتم و رساله‌ای در اثبات نبوت خاصه، مسمی به نورالهدایه و رساله در میراث، مسمی به ذخیره النجات فی میراث الاموات و رساله‌ای در معانی و بیان و بدیع، مسمی به تحفه السفر لنور البصر و نصایحی مختصر موسوم به اندرزنانه نگاشتم و اکثری از کتب فقه و اصول را چون مدارک و شرح لمعه دمشقیه و قوانین و بعضی از نسخ حکمت چون شوارق و حواشی تجرید و حکمت العین، به قدر فکرت قاصر خود، زبان خامه جرأت تحریر نموده، نگاشتم و حاشیه بر تفسیر قاضی بیضاوی و تفسیر فارسی و بر مدارک شرایع، تعلیقاتی در دست است. امید که به اتمام رسد» (بسمل شیرازی، ۱۳۷۱: ۷۰۹).

در برخی دیگر از منابع که به ذکر بسمل شیرازی و آثار وی (و یا به ذکر انواع پندنامه‌ها) پرداخته‌اند، این رساله را به شعر و اندرزنانه‌ی وی را اثری منظوم (و گاه با عنوان اندرز قابوس) ذکر کرده‌اند. در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تقسیم‌بندی اندرزنانه‌های فارسی به نظم و نثر، این اثر، منظوم ذکر شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۷۲۹/۱۳). در فرهنگنامه ادبی فارسی در ذکر اندرزنانه‌های ادب فارسی نوشته شده که « اندرزنانه، به نظم از علی اکبر شیرازی متخلص به بسمل، در بیش از هزار بیت برای دو پسرش ابوطالب نواب و میرزا علی صدر » (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۷۱/۲). در حالی که این اثر به نثر آمیخته به نظم تألیف گردیده و مشخص نیست بر چه اساسی، آن را در هزار بیت ذکر کرده‌اند.

به هر روی این اثر، خطاب به دو فرزند بسمل، میرزا ابوطالب و میرزا علی صدرالعلما، تألیف شده است. در آغاز این اثر می‌خوانیم: « بعد از حمد خالق اکبر و

درود [بر] حضرت سید بشر و آل و اصحاب آن سرور. چنین گوید بندهٔ احقر نیازمند درگاه بی‌نیازی، علی‌اکبر شیرازی که این کلمه‌ای است چند که بر سبیل پند به جهت فرزندان ارجمند و نور چشمان دل‌بند، ابوطالب و میرزا علی، طول الله عمرهما و فقهما للعلم و العمل، بالطافه الخفی و الجلی، نوشته می‌شود. امید که از آن بهره‌مند شوند و دیگران را سودمند افتد. اِنَّهٔ ولی التوفیق « (بسمل شیرازی، ۱۲۴۸: ۵۰۸).

پس از آن مؤلف، شعری می‌آورد که می‌توان آن را خلاصه‌ای از موضوعات مطرح شده در اندرزنامه دانست:

الا ای نور چشم من که عمرت باد جاویدان

نصیحت گویمت بشنو به گوش سر نه، گوش جان

مؤثر در حقیقت نیست غیر از خالق اکبر

به ظاهر کارها را گرچه اسبابی است بی‌پایان

خدا را بندگی کن گر هوای سروری داری

که شاهانند کمتر بندهٔ خلاق انس و جان

توکل پیشه کن در هرچه عقلت رهنما آید

مجو در هیچ کار، از هیچ کس یاری، بجز یزدان

ز من پیرانه سر بشنو جوانا پند اگر خواهی

که کاخ هستی‌ات، گردون نسازد سر به سر، ویران

بسی سختی و سستی اندر این دیر کهن دیدم

مرا زین آسیای عمر فرسا، نرم شد ستخوان

مرا بس پند از دانشوران در گوش هوش آمد

که دارم جمله در گنجینهٔ دل، همچو دُر پنهان

ز حکمت بهره‌جو وز شاعری و شعر کمتر گو

که باشد خمسه و شهنامه در پیش شفا هذیان

به از دانش مدان کاری، بتر از جهل چیزی نه

به دانایان گرای از جان و دل، بگریز از نادان

شوی از نور دانش در جهان مقبول هر خاطر

که خورشید جهان‌آرا نشاید در جهان پنهان

این اثر، چنانکه مؤلف در مقدمه بدان اشاره می‌کند، به عنوان پیشکش و تحفه‌ای به درگاه نواب مستطاب، رضا قلی میرزای قاجار اتحاف گردیده و بنا به ادعای مؤلف، آن شاهزاده خود صاحب خامه و قلم بوده است.

اندرزنامه با تأکید بر فضیلت عقل آغاز می‌شود. بسمل شیرازی، عقل را بعد از نعمت وجود، بزرگترین نعمت خداوند دانسته و آن را سرمایه تحصیل معاد و معاش می‌داند و شکر این نعمت خدادادی را از اوجب واجبات می‌داند و سپس شاهی دلگشا بر مدعای خود، از خواجه عبدالله انصاری می‌آورد که «الهی هرکه را عقل دادی، چه ندادی و هرکه را عقل ندادی، چه دادی». به دنبال آن، وی بر لزوم کسب علم تأکید کرده و آن را تنها منشأ اعتبار آدمی می‌داند. تحصیل مال از ممر حلال، مضمون دیگری است که بسمل آن را به فرزندان خود گوشزد می‌کند و می‌گوید: «با امکان به تحصیل مال از ممر حلال، طلب حرام منتهای خذلان». اینکه هر کاری را باید در زمان خود انجام داد و کار امروز را نباید به فردا افکند، دیگر مضمونی است که بسمل در کنار ادب و تواضع بر آن تأکید می‌کند.

بسمل در بخشهای بعدی معتقد است که: «چار چیز، بی چار چیز، بی ثمر است و

منشأ عذاب:

۱- ریاست بی سیاست

۲- فرزند بی تربیت

۳- زنان و خدم بی‌بیم

۴- سواری بی‌لجام و تازیانه «

دیگر اینکه: « چند چیز را بی‌چند چیز، ثبات و دوام نباشد:

۱- علم بی‌تکرار و عمل

۲- بزرگی بی‌مهابت

۳- وجود حکمرانی بی‌تدبیر

۴- مال بی‌تجارت

۵- دوستی بی‌دانشی

۶- چراغ بی‌روغن «

و « مقربان سلطان را چند چیز از واجبات است:

اول در هر حال رعایت آداب بارگاه سلطانی

دوم ملاحظهٔ مناسبت مقام در سخنرانی

سوم قدرت بر نگاه داشتن چشم و زبان

چهارم نهفتن اسرار محافل ایشان

پنجم خیرخواهی حال سلطان و رعایا

ششم صدق و راستی در کارها

هفتم بستن زبان از معایب مقربان و خدم

هشتم پوشیدن دیده از وشاقان محترم و خدام حرم «

وی در ادامه می‌گوید: « چند چیز موجب جلب قلوب است:

۱- ملایمت با هرکسی به قدر حال

۲- عیب‌پوشی بندگان خداوند متعال

۳- نرمی در کردار و گفتار

۴- مجالست اختیار

۵- مجانبت از مصاحبت اشرار

۶- جود به قدر مقدور

۷- احتراز از سخنان زور «

او معتقد است: « چند چیز مرد را آفتی است بزرگ:

۱- شوخی بسیار

۲- بدگویی اختیار

۳- لعب با کودکان

۴- راز گفتن با زنان

۵- سخنان دروغ گفتن

۶- آشکارا رود و سرود شنفتن

۷- عجب و کبر بی جا

۸- از نفس خویش مدح و ثنای مکرر «

او به فرزند خود توصیه می‌کند که « از چند چیز بر حذر باش:

۱- عیب‌جویی احرار

۲- خشونت در گفتار

۳- اظهار فقر و پریشانی

۴- تعهد کارهای دشوار به آسانی «

۵- بدخلقی با خلق، سیما دوستان و عدم تحمل بر مهمات ایشان

بسمثل معتقد است که « چند چیز دلیل بر خفت عقل است:

۱- سخن گفتن بسیار

۲- مجالست اشرار

۳- تأمل نمودن در عواقب کار

۴- نشنیدن پند دوستان

۵- تربیت کردن ناکسان

۶- بزرگی دادن زیردستان بر بزرگان

۷- چشم داشتن مهر و وفا از دونان «

از دیدگاه بسمل « چند چیز موجب مذلت و خواری است:

۱- داخل شدن در مجلسی که از او گریزان باشند.

۲- سخن گفتن در حالتی که استماع آن نمایند.

۳- سماجت زیاد از خسان در انجام مهمات.

۴- طمع در اسباب و مناصب غیر مناسب.

۵- تکذیب کردن قولها در انجمن.

۶- بسیار حاجت خواستن اگرچه از برادران و خویشان باشد».

بسمل تأکید می‌کند که «از چند چیز بر حذر باید بود:

اول از دشمنی که از در دوستی در آید؛ چه چون دشمن از هر جهت فروماند، طریق

دوستی پیماید.

دوم عالمی که به معصیت میل نماید که اذا فَسَدَ الْعَالَمَ فَسَدَ الْعَالَمُ.

سوم مملکتی که سلطان در آن دست تعدی گشاید.

چهارم کسی که قبایح اعمال تو را در نظر تو، به طریق حسن جلوه دهد.

پنجم زنی که به بیگانگان روی گشاید.

ششم طعامی که به زهر آلود.

بسمل می‌گوید: « چند چیز را به چند چیز معالجه توان نمود:

- ۱- غم را به صحبت دوستان صدیق
- ۲- دشمنی را به ملایمت
- ۳- وجود ترش رویی قاضی را به شیرینی
- ۴- غفلت را به مأل بینی
- ۵- فقر را به قناعت
- ۶- شیطان را به طاعت
- ۷- شهوت را به روزه
- ۸- حرص را به مردن
- ۹- مذلت را به گوشه گیری
- ۱۰- رفیق بد را به دوری»

«چند کار را خطر بسیار است و زحمت بی شمار:

- ۱- قضا
- ۲- طبابت
- ۳- ریاست
- ۴- امامت»

مضامین و موضوعات مطرح شده در اندرزنامهٔ بسمل به موارد مذکور ختم نمی شود. بسمل در اثنای ابیات و جملات، جای جای به کسب فضایل و رفع رذایل اخلاقی اشاره می کند و سخنان خویش را با آوردن ابیاتی استشهداگونه از فردوسی، نظامی، سعدی، مولوی و حافظ مَهر تأیید می زند. خصوصاً بسیاری از ابیات و جملات سعدی در گلستان، بوستان و غزلیات را در ضمن کلام خویش بیان می دارد و معتقد است «طریقت خواهی از سعدی بیاموز».

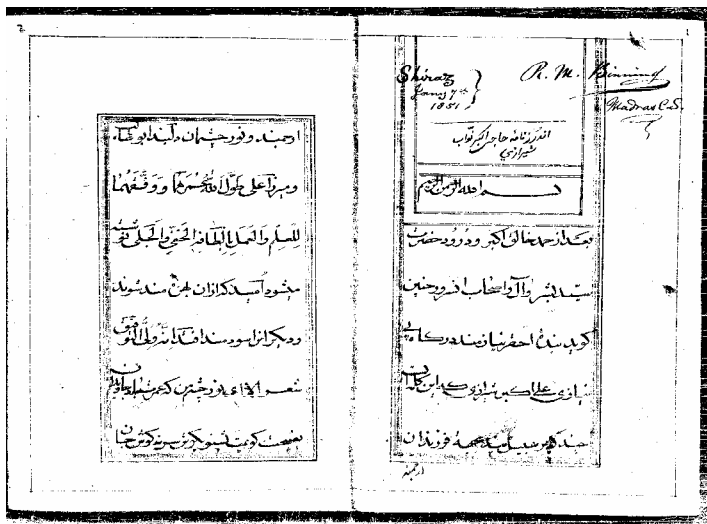
برخی از دیگر موضوعات اندرزی این اثر عبارتند از:

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------|
| ۱- مذمت شرابخواری | ۱۹- تأکید بر صلۀ ارحام |
| ۲- تحصیل کمال | ۲۰- شکر بر نعمت |
| ۳- دعوت به تأنی و تأمل در امور | ۲۱- توکل در امور |
| ۴- مذمت بخل و اسراف | ۲۲- عاقبت اندیشی |
| ۵- دعوت به نیکی و مهربانی | ۲۳- دوری از شهرت طلبی |
| ۶- اهمیت رازداری و عدم افشای راز | ۲۴- حسن خلق و خوش‌زبانی |
| ۷- توجه به بسیار نشستن در مجالس | ۲۵- دوری از کبر |
| ۸- رعایت اعتدال در امور | ۲۶- رعایت حقوق برادر |
| ۹- به اندازه سخن گفتن (کم‌گویی) | ۲۷- ترک حسد |
| ۱۰- خُرد نشمردن دشمنان | ۲۸- لزوم دستگیری از دیگران |
| ۱۱- پرهیز از مصاحبت سلاطین | ۲۹- تأکید روابط دوستی |
| ۱۲- تأکید بر رعایت ادب | ۳۰- ترک معصیت |
| ۱۳- عبرت گرفتن از دیگران | ۳۱- دوری از تن‌آسانی |
| ۱۴- لزوم همنشینی با علما | ۳۲- اغتنام فرصت و ترک بطالت |
| ۱۵- مذمت دروغ‌گویی | ۳۳- توجه به قناعت |
| ۱۶- آداب خوردن طعام | ۳۴- تأکید بر ناپایداری عمر |
| ۱۷- عیب‌پوشی و پرده‌پوشی | ۳۵- ترک مال‌اندوزی |
| ۱۸- توجه به انصاف و راستی | |

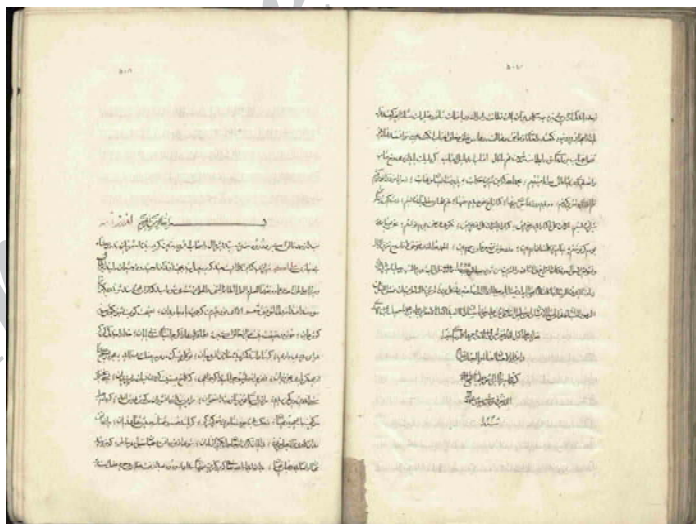
افزون بر مطالب عنوان شده، مضامین اندرزی فراوانی را می‌توان در این اندرنامه یافت که غالباً به صورت جملات کوتاه و حکیمانه بیان شده است و حاصل تجربه شخصی مؤلف است. «ای فرزند آنچه گفتم و شنیدی، به حسب تجربه و عقل خویش بود و بر طبق احوال و روزگار خود و در هر عصری، چیزی مطلوب است و هر زمانی سلوکی مرغوب؛ این سرمشقی است. باید شخص خود صاحب فطانت باشد و در مجالس تجربه گفتار و رفتار فرماید و هر که را از بخشایش خداوند یکتا، دلیل عقل راهنما و توفیق رفیق آمد، احتیاج به شنیدن پند کسانش نیست؛ خود عالمی را پند دهد اما چنین شخصی نادر افتد» (بسمل شیرازی، ۱۳۴۸: ۵۲۳).



صفحه نخستین از نسخه خطی ۳۵۲۷



صفحه نخستین از نسخه خطی
۳۱۸۹ محفوظ در کتابخانه ادینبورگ آلمان



صفحه نخستین از نسخه خطی ۲۹۹۹

نتیجه گیری:

از مجموعه آنچه بیان گردید می توان چنین نتیجه گرفت که:

- ۱- پندنامه‌ها که با عناوین دیگری همچون اندرزنامه، نصیحت‌نامه، وصیت‌نامه، اخلاق و آداب نیز خوانده می‌شوند، رساله‌های تعلیمی و اخلاقی هستند که در زمره ادبیات تعلیمی قرار دارند و بنیاد آنها نیز بر اخلاق و مضامین تربیتی نهاده شده است.
- ۲- هنوز فهرست کاملی از پندنامه‌های ادب فارسی تدوین نگردیده و بر پژوهشگران معاصر لازم است تا با تهیه و تنظیم فرهنگ و دانشنامه‌ای ویژه، به معرفی و فهرست‌بندی این قبیل از آثار که از شاخه‌های اصلی ادبیات فارسی نیز محسوب می‌شود، بپردازند.
- ۳- حاج علی اکبر نواب شیرازی، متخلص به بسمل، از شعرا و ادبای قرن سیزدهم قمری است که متأسفانه بیشتر آثار او در بوتۀ خاموشی و فراموشی قرار گرفته و بجز یکی دو اثر او، بقیه آثار او، تصحیح و چاپ نگردیده است.
- ۴- اندرزنامه از آثار ناشناخته بسمل شیرازی است که به صورت نثر آمیخته به نظم تدوین گردیده و آن را خطاب به دو فرزند خود ابوطالب نواب و میرزا علی صدر تألیف نموده است.
- ۵- موضوعات اصلی مطرح شده در اندرزنامه بسمل، اخلاق، راه و رسم و آیین نامه زندگی و مضامین تربیتی است که مؤلف آن را قصارگونه و خطابی با جملات کوتاه، نغز و پر مغز بیان کرده است.

منابع:

- ۱- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگنامه ادبی فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۲- بسمل شیرازی، حاج علی اکبر نواب. (۱۳۷۱). *تذکره دلگشا*، به کوشش منصور رستگار فسایی، شیراز: انتشارات نوید.
- ۳- ----- . (۱۲۴۸ ق). *اندرزنامه*، نسخه خطی به شماره ۲۹۹۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۴- ----- . (بی تا). *اندرزنامه*، نسخه خطی به شماره ۳۵۲۷ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۵- ----- . (بی تا). *اندرزنامه*، نسخه خطی به شماره ۳۱۸۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۶- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران*، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۷- سعادت، اسماعیل. (۱۳۸۴). *دانشنامه زبان و ادب فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۸- مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹- محمدی، محمد. (۱۳۵۲). *ادب و اخلاق در ایران پیش از اسلام*، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- ۱۰- مشرف، مریم. (۱۳۸۹). *جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران*، تهران: سخن، با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۱- معصوم علیشاه، محمد معصوم. (۱۳۴۵). *طرائق الحقایق*، به کوشش محمد جعفر محجوب، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۱۲- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۹). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

References:

- 1 - Anousheh, Hassan. (1381). Letter of Persian literary culture, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- 2 - Besmele Shirazi, Ali Haji Navab Akbar. (1371). Tazkerat Delgoshā, thanks to efforts of Fsaiee Mansour, Shiraz: Navid Publication.
- 3 ----- (1248 AH). Andarznameh, 2999 issue of manuscripts to the Central Library of Tehran University.
- 4------(without date). Andarznameh, 3527 issue of manuscripts to the Central Library of Tehran University.
- 5 -. (B.). Andarznameh, 3189 Number manuscripts to the central library of Tehran University.
- 6 - Derayati, Mostafa. (1389). Fehrstvareh manuscripts in Iran, Tehran: Library, Museum and Documentation Center of parliament.
- 7 - Saadat, E. (1384). Compilation of Persian Language and Literature, Tehran: Academy of Persian Language and Literature.
- 8 - Mile Heravi, Najib. (1380). making copy and critical edition of manuscripts, Tehran: Publication of Culture and Islamic Guidance.
- 9 - Mohammadi, Mohammad. (1352). Literature and Ethics in pre-Islamic Iran, Tehran: Ministry of Culture and Arts Department of Writing.
- 10 - Mosharraf Maryam. (1389). extracts the educational literature of Iran, Tehran: in collaboration with the Shahid Beheshti University.
- 11 - Masoom Ali Shah, Mohammad Masoom. (1 345). Tarayeq Alhaqayeq, with efforts of Mohammad Jafar Mahjoub, Tehran Sanaei library.
- 12 - Mousavi Bojnordi, Kazem. (1389). the Great Islamic Encyclopedia, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia.